

مکتب طب اسلامی و دیدگاه‌های موافق

سجاد صادقی^۱

غلامحسین مهدوی نژاد^۲

علیرضا صادقی^۳

انسیه فرهیدزاده^۴

چکیده

طب اسلامی به عنوان یک مکتب دارای مبانی و اصول، ایدئولوژی، علوم پایه و منابع محکم است. در مقاله حاضر با دیدگاهی بی‌طرفانه و بدون قضاوت در مورد درستی یا نادرستی گزاره‌ها، به طبقه‌بندی دیدگاه‌های موافق مکتب طب اسلامی پرداخته و این دیدگاه‌ها در ۷ عنوان طبقه‌بندی گردید. امروزه آثار نوشتاری از قبیل کتب، مقالات و مطالب فراوانی با عنوان طب اسلامی منتشر می‌شوند و اصالت علمی و غنای محتوایی لازم در برخی آثار مشاهده نمی‌گردد و به نظر می‌رسد در برخی آثار بدون رعایت معیارهای علمی به طرح موضوع طب اسلامی پرداخته شده است. از این رو در این مقاله، از برخی آثار که در مقایسه با دیگران، از غنای علمی و محتوایی بیشتری برخوردار بودند، استفاده گردید. با بررسی دیدگاه‌های موافق مکتب طب اسلامی به روشنی قابل استنباط است که در مورد تعریف و مفهوم‌شناسی طب اسلامی، دیدگاه‌های

۱. پزشک، دستیار دکترای تخصصی طب سنتی، دانشکده طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: Drsadeghi@sbmu.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران.

۳. دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۴. دانشجوی پزشکی، پژوهشگر مرکز طب سنتی و مکمل بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران.

مختلفی وجود دارد. به نظر می‌رسد اختلاف دیدگاه‌ها، عمدتاً مربوط به زاویه دید و نگرش پژوهشگران به مقوله طب اسلامی است و یکی از دلایل گستردگی و پراکندگی دیدگاه‌ها، استفاده نکردن از روش‌های علمی مباحثه و تدوین نظریه علمی است که استفاده از روش تحقیق مناسب را جهت شکل‌گیری دیدگاهی جامع ضروری می‌سازد.

واژگان کلیدی

مکتب طب اسلامی، طبقه‌بندی، دیدگاه‌های مختلف، اشتراکات، اختلافات

مقدمه

بحث طب اسلامی سابقه‌ای طولانی با این عنوان ندارد و تنها در چند دهه اخیر می‌توان ردپایی از آن، در محافل علمی درون کشور پیدا کرد. (دیانی، ۱۳۸۲ ش.) نبود تعریفی دقیق و مورد توافق و نیز وجود اختلاف نظر بر سر تعریف و ماهیت این مکتب، توسعه و نهادینه‌سازی طب اسلامی را دشوار می‌نماید و نیاز به طبقه‌بندی دیدگاه‌ها جهت نقد و بررسی را بیشتر می‌نماید. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲ ش.)

دیدگاه‌های مختلف در مورد طب اسلامی را در یک نگاه کلی می‌توان به ۲ دیدگاه موافق و مخالف تقسیم نمود. بر اساس دلایل و مستندات فراوان، دیدگاه موافق مورد تأیید و دیدگاه مخالف مردود است. دیدگاه‌های موافق طب اسلامی را می‌توان در ۴ دسته دیدگاه تاریخی، دیدگاه روشی (طب سنتی)، دیدگاه محدودگرا و دیدگاه مکتبی طبقه‌بندی نمود که با تأمل در استدلال صاحب‌نظران، دیدگاه مکتبی طب اسلامی به عنوان دیدگاهی کامل و جامع مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^۱

در این دیدگاه طب اسلامی به عنوان یک مکتب دارای مبانی و اصول، ایدئولوژی، علوم پایه و منابع محکم است و نمی‌توان آن را در حد توصیه‌ها و دستورات خاص طبی خلاصه نمود. بر اساس این دیدگاه، با استفاده از منابع اسلامی می‌توان مکتبی دارای ساختار منسجم طراحی کرد. این مکتب شامل تمامی آموزه‌های دین اسلام و روش‌های مورد پذیرش آن دین در کسب آگاهی پیرامون موضوعات علوم پزشکی است. (فتعلی، ۱۳۹۱ ش.)

بررسی‌ها نشان می‌دهد موافقان دیدگاه مکتب طب اسلامی نیز علی‌رغم تفاهم بر سر تعریف کلی طب اسلامی، تفاوت‌های زیادی در نگرش خود نسبت به ماهیت طب اسلامی دارند. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲ ش.) به گونه‌ای که فراوانی و پراکندگی دیدگاه‌های مختلف، نمایی ناهمگون و آشفته از عنوان طب اسلامی پدیدار می‌سازد.

در این مقاله تلاش گردیده با پرهیز از قضاوت در مورد درستی یا نادرستی گزاره‌های مطرح‌شده در مورد مکتب طب اسلامی و با تبیین، تلخیص و طبقه‌بندی دیدگاه‌ها، امکان مقایسه دیدگاه‌های مختلف برای خوانندگان محترم فراهم آید. همچنین به منظور بررسی دقیق‌تر اشتراکات و تفاوت‌های موجود در این دیدگاه‌ها، نظرات صاحبان دیدگاه‌های فوق در چهار بخش ماهیت مکتب، نوع رابطه با طب سنتی، نوع رابطه با طب جدید و نوع رابطه با تحقیقات تجربی طبقه‌بندی و بررسی شد، سپس بر حسب نوع دیدگاه و با توجه به نظرات موافقان، نکات شاخص و متمایز آن مشخص شده و با توجه به آن، هر دیدگاه نام‌گذاری گردید. قابل ذکر است که صاحبان دیدگاه‌ها، نظرات خود را به صورت شفاف و دقیق در مورد تعریف و ماهیت مکتب طب اسلامی بیان نکرده‌اند، لذا در بیان دیدگاه آنان به ذکر نکات شاخص اکتفا می‌گردد.

همچنین لازم به توضیح است که امروزه آثار نوشتاری از قبیل کتب، مقالات و مطالب فراوانی با عنوان طب اسلامی منتشر می‌شوند و اصالت علمی و غنای محتوایی لازم در برخی آثار مشاهده نمی‌گردد و به نظر می‌رسد در برخی آثار بدون رعایت معیارهای علمی به طرح موضوع طب اسلامی پرداخته شده است. از این رو در این مقاله، از برخی آثار که در مقایسه با دیگران، از غنای علمی و محتوایی بیشتری برخوردار بودند، استفاده گردید.

الف - دیدگاه مقایسه با طب سنتی

۱- ماهیت

نورمحمدی (۱۳۸۸ ش.) معتقد است مکتب طب اسلامی دارای فلسفه، قانون و زبان علمی خاص خود است که متکی بر آموزه‌های الهی و بر پایه مصالح و مفاسد

و برنامه‌های علمی و عملی می‌باشد. در تعریف نورمحمدی، منبع طب اسلامی آموزه‌های دینی - الهی است که ضریب اطمینان آن ۱۰۰٪ است و بدون محدودیت زمانی برای همه افراد (سالم و بیمار) قابل اجراست و از نظر تأمین سلامتی قطعی است.

۲- رابطه با طب سنتی

صاحب این دیدگاه ضمن متد و روش دانستن طب سنتی، مکتب طب سنتی را معادل و مساوی طب اسلامی نمی‌داند. وی طب سنتی را جزءنگر، ضریب اطمینان آن را کمتر از ۱۰۰٪ و دارای محدودیت زمانی، عدم بهره‌مندی از دعا و معنویت و طیف تحت پوشش آن را افراد بیمار می‌داند که از نظر ارتباط با طب جدید ناسازگار است و تحقق‌بخش ارائه برنامه جامع سلامتی نیست. ایشان طب سنتی را به طور کامل صحیح نمی‌داند، هرچند برخی موضوعات آن را قابل قبول و دفاع می‌داند. (نورمحمدی، ۱۳۸۸ ش.)

۳- رابطه با طب جدید

در این دیدگاه مکتب طب اسلامی از نظر ارتباط با طب جدید سازگار است. (نورمحمدی، ۱۳۸۸ ش.)

۴- رابطه با تحقیقات تجربی

نورمحمدی علی‌رغم احساس نیاز به وجود آثار علمی بر اساس آموزه‌های دینی جهت ترویج مکتب طب اسلامی و اعتقاد به این که آثار مکتوب و جامع و علمی در زمینه طب اسلامی وجود ندارد، معتقد است اگر یک یافته طب اسلامی با اصول تجربی سازگار نبود، نباید آن را غیر علمی دانست، زیرا علم فقط روش مشاهده و تجربه و آزمون نیست و بسیاری از واقعیت‌های جهان هستی قابل مشاهده و بیرون از قانون آزمون‌پذیری می‌باشند. بنابراین ممکن است برخی امور مطرح در

طب اسلامی آزمون‌پذیر نباشد. وی همچنین بر این باور است که مکتب طب اسلامی آزمون و خطایش را پس داده و تحقیقات و پژوهش در مورد بسیاری از آزمون‌های آن انجام گرفته است. (نورمحمدی، ۱۳۸۸ ش.).

ب - دیدگاه مکتب فکری و نظام ارزشی

۱- ماهیت

اصفهانی (۱۳۸۹ ش.) بر این باور است که در دین جامع اسلام به ابعاد وجودی مادی، روانی، اجتماعی، روحی و معنوی انسان و همه نیازهای او توجه شده است و البته معنای این توجه این نیست که در مورد جزئی‌ترین مسائل زندگی و انواع بیماری‌ها و مانند این‌ها راهکار اجرایی داده شده است که آدمی بتواند بدون استفاده از عقل، علم، تجربه و تلاش مستمر، همه مسائل خود را به کمک آن راهکارها حل کند، بلکه توجه به مسائل و نیازهای انسان به معنای ارائه اصول و کلیاتی است که به کمک آن‌ها و مدد عقل و علم، بشر می‌تواند راه صحیح‌تر را انتخاب کند و به مرور آن را تکامل بخشد.

در این دیدگاه، طب اسلامی ساختار و چارچوب اندیشه‌ای اثربخش و پویا در پزشکی و دانش‌های وابسته به آن است که سرچشمه اصلی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام و استنباطات فقهی مبتنی بر مدارک چهارگانه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است. در چنین ساختاری دانش پزشکی، محصول افاضات و رهنمودهای اسلامی (قرآن کریم و روایات پیامبر و معصومین علیهم‌السلام) و تلاش عقل و تجربه آدمیان در شناسایی روابط قوانین حکمت آمیز کتاب تکوین است.

اصفهانی (۱۳۸۹ ش.) برای اثبات روایی دیدگاه خویش، به استفاده معصومین علیهم‌السلام از طبیبان زمان استناد می‌کند؛ طبیبانی که نه بر اساس دانش مأخوذ از وحی، بلکه بر اساس طب رایج زمان که محصول اندیشه و تلاش حکیمان پیشین و معاصرشان بود طبابت می‌کردند. ایشان همچنین به روایات متعددی که مؤمنین را به فراگیری دانش دیگران و بهره‌گیری از اطلاعات و تجارب آن‌ها تشویق و بلکه وادار می‌سازد، اشاره می‌نماید:

پیامبر (ص): اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه.^۲

امیرالمؤمنین (ع): من تطب فلیتق الله و لیجتهد ولینصح.^۳

صاحب این دیدگاه، اجتهاد در پزشکی را به معنای نهایت سعی و کوشش برای ارائه صحیح‌ترین، مناسب‌ترین و مقبول‌ترین خدمت پزشکی می‌داند که تحقق این امر مستلزم بازآموزی، پژوهش مستمر و بهره‌گیری از همه نوآوری‌ها است. (اصفهانی، ۱۳۸۹ ش.)

برخی دیگر از پژوهشگران دیدگاهی مشابه اصفهانی داشته و طب اسلامی را مکتب فکری و نظام اندیشه‌ای می‌دانند. به طور مثال آبن (۱۳۸۶ ش.) طب اسلامی را مجموعه تفکرات دارای بورد بهداشتی و درمانی برگرفته از قرآن و احادیث و سیره انبیا، استنباط از قانون‌مندی‌های حاکم بر نظام طبیعت، تبلور تفکر حکما و دانشمندان در طول تاریخ و الهام و اشراق تعریف کرده است. جانفزا (۱۳۸۹ ش.) نیز چارچوب نظام طب اسلامی را آیات و روایات مرتبط با پزشکی می‌داند و دستاوردهای گذشته بشر و نیز آخرین دستاوردهای امروز و فردای دانش پیشرو را به شرط به‌گزینی و هماهنگ‌سازی با ساختار اندیشه مدون نظام طب اسلامی، جزء طب اسلامی می‌داند. مسعودی (۱۳۸۹ ش.) نیز طب اسلامی را نظامی اندیشمند

می‌داند که از آموزه‌های اسلامی رهنمود می‌گیرد و پیشرفته‌ترین اطلاعات امروز و فردای بشر را دربر دارد.

۲- رابطه با طب سنتی، طب جدید و دستاوردهای تحقیقاتی و تجربی

بر طبق دیدگاه فوق، طب اگر از مسیر تلاش اندیشه و تجربه بشری نیز به دست آمده باشد، می‌تواند با عبور از چارچوب ساختاری اصول و مبانی و بایدها و نبایدهای طب خالص اسلامی، با محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی همگون و سازگار شود.

ج - طب اسلامی، مکتبی درمانی

۱- ماهیت

منتظر (۱۳۸۹ ش.) طب اسلامی را مجموعه تعالیمی که توسط قرآن کریم یا روایات معتبر معصومین علیهم‌السلام به منظور حفظ سلامت یا درمان بیماری‌ها بیان شده است، تعریف می‌کند. طبق این تعریف، رفتار یا دارویی جزء طب اسلامی محسوب می‌شود که حداقل، اشاره‌ای به آن در کلام وحی موجود باشد، وگرنه طب اسلامی نیست، هرچند مؤثر باشد. بنابراین رفتار درمانی پذیرفته‌شده در طب اسلامی، رفتاری است که توسط پیشوایان ما مورد تأیید و توصیه قرار گرفته باشد. منتظر (۱۳۸۹ ش.) با رد دیدگاه نظام ارزشی و فکری، معتقد است اگر ما طب اسلامی را صرفاً مکتبی معرفت‌شناختی و نه درمانی بدانیم، آن را در حد یک غربال تنزل داده‌ایم که کاربرد آن در این صورت فقط تشخیص سره از ناسره است. همچنین اگر طب اسلامی تنها یک تفکر، یک نظام اندیشه و یک ترازو و معیار باشد (اگرچه همه این‌ها هست)، چاه می‌نماید و راه نمی‌نماید، یعنی بدی‌های سایر مکاتب درمانی را نشان می‌دهد، اما راه نجات از آن گرفتاری‌ها را نمایان نمی‌کند. وی

معتقد است سایر مکاتب یا روش‌ها حتی اگر از غربال معیارهای اسلامی عبور کنند و مورد تأیید باشند جزء طب اسلامی نیستند.

۲- رابطه با طب سنتی

صاحب دیدگاه فوق، با تأکید بر اشتراک طب سنتی و طب اسلامی، هر دو را کل‌نگر می‌داند و مبنای درمانی هر دو را اعتقاد به مزاج و اخلاط چهارگانه می‌داند. وی برای اثبات یکسان‌بودن مبنای هر دو به برخی احادیث معصومین علیهم‌السلام که بر وجود اخلاط و مزاج‌ها صحه می‌نهند، اشاره می‌نماید، (منتظر، ۱۳۸۹ ش.) به عنوان مثال در رساله ذهبیه منسوب به حضرت رضا (ع) آورده شده: - خدای تعالی بنا نهاده جسم‌ها را بر چهار خلط که عبارتند از سودا، صفرا، خون و بلغم که دو خلط از آن‌ها گرم و دو خلط دیگر سرد می‌باشد و میان این چهار خلط، دو به دو اختلاف برقرار است. به این ترتیب که از دو خلط گرم، یکی مرطوب و دیگری خشک و از دو خلط سرد نیز یکی مرطوب و دیگری خشک است. (درخشان، ۱۳۶۲ ش.)

همچنین پیشوایان معصوم (ع) در بسیاری از احادیث، اخلاط سرد و گرم را محور سلامت و بیماری دانسته و توجه به برقراری تعادل میان آن‌ها را در امر درمان، ضروری بیان نمودند. (منتظر، ۱۳۸۹ ش.)

۳- رابطه با طب جدید

منتظر (۱۳۸۸ ش.) در کتاب خود با نام «طب اسلامی گنجینه تندرستی»، با تأکید فراوان بر استفاده از روش‌های درمان طب اسلامی، نارسایی‌ها و نقاط ضعف و آفات طب رایج را برمی‌شمرد و برخی شواهد برتری طب اسلامی و سنتی بر طب رایج را بیان می‌نماید و احیای طب سنتی و رویکرد به طب اسلامی را یک تکلیف برای جامعه اسلامی می‌داند.

صاحب این دیدگاه، انتخاب روش درمان را جزء اصول در طب اسلامی می‌داند که باید مورد تأیید معصومین باشد. همچنین اعمال جراحی و دستکاری بدن، آخرین مرحله در درمان بوده و زمانی جایزند که روش‌های مورد تأیید در طب اسلامی نتیجه نداده باشند. (منتظر، ۱۳۸۹ ش.)

منتظر با رد کردن دیدگاه برخی پژوهشگران که اعمال جراحی و واکسیناسیون را با این توجیه که برای تداوم حیات بشر لازم هستند، جزء طب اسلامی می‌دانند، نجات‌بخش بودن روش درمانی را معیار لازم و نه کافی در طب اسلامی می‌داند. برای اثبات این دیدگاه، منتظر (۱۳۸۸ ش.) به قانون فقهی «اکل میتة» اشاره می‌کند که خوردن گوشت مردار را در شرایط گرسنگی که خطر مرگ وجود دارد، جایز می‌شمارد، گرچه در این شرایط خوردن گوشت مردار هم جایز است، ولی نمی‌توان خوردن گوشت مردار را جزء تغذیه اسلامی محسوب نمود. همچنین روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که رسول گرامی اسلام روش درمانی یکی از اطباء زمان خویش را علی‌رغم مؤثر بودن درمان، ناخوشایند شمرده و درمان‌های دیگری را توصیه می‌نماید.

۴- رابطه با تحقیقات تجربی

صاحب دیدگاه فوق، با توجه به اعتقاد به مبنای اخلاقی و مزاجی طب اسلامی، جایگاه عقل و تحقیقات تجربی را پس از تأیید روش درمانی طب اسلامی توسط معصومین، در شیوه به کارگیری آن‌ها در افراد و شرایط مختلف می‌داند. (منتظر، ۱۳۸۹ ش.)

د - دیدگاه اصول‌گرا

۱- ماهیت

اسماعیلی و کردافشار (۱۳۸۹ ش.) طب اسلامی را مکتبی می‌دانند که اصول آن از قرآن و حدیث استخراج شده باشد. ایشان معتقدند برای تدوین طب اسلامی

نیاز به یک نقشه داریم که اجزای طب اسلامی را بر اساس این نقشه کنار هم قرار بدهیم، اصل و فرع را معلوم کنیم و بایستی همان کاری که در فقه صورت گرفته است و ما امروزه اصول فقه داریم در طب اسلامی هم اتفاق بیفتد. باید ما به این باور برسیم که همان امام صادقی که گفتارش در یک حدیث تبدیل به یک اصل فقهی می‌شود و فروع مختلف از آن استنباط می‌گردد وقتی سخنی در باب طب نیز می‌فرمایند، می‌توان اصلی طبی از آن استخراج کرد و فروع متعددی را از آن استنباط نمود. چگونه است که از آیه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء: ۱۴۱) قاعده نفی سبیل شکل می‌گیرد و صدها فتوی بر اساس آن صادر می‌گردد، اما از آیه «كلوا و اشربوا و لا تسرفوا» (اعراف: ۳۱) قاعده طبی استفاده نمی‌شود و از آیه «فيه شفاء للناس» صرفاً به عنوان آیات الهی عبور می‌کنیم و خواندن آن را محض ثواب و اجر انجام می‌دهیم.

صاحبان این دیدگاه، به بیان اصول طب اسلامی مستخرج از آیات قرآن و روایات اسلامی می‌پردازند؛ اصل پایه محوری طب اسلامی در این دیدگاه، رعایت قواعد اکل و شرب و پرهیز از زیاده‌روی است. در باب فیزیوپاتولوژی و نحوه ایجاد بیماری‌ها نیز اصل، بازگرداندن اکثر بیماری‌ها به منشأ معدی است. همچنین در این دیدگاه، در بخش درمان پنج اصل معرفی می‌شود:

۱- درمان سردی با گرمی و گرمی با سردی، تری با خشکی و خشکی با تری؛

۲- رعایت پرهیز؛

۳- امساک درمانی؛

۴- پرهیز از شتاب در درمان و زیاده‌روی در مصرف دارو؛

۵- پاکسازی یا اصلاح ماده بیماری‌زا یا خلط غالب (با روش‌هایی مثل قی، اسهال،

فصد، حجامت و...).

اسماعیلی و کردافشار (۱۳۸۹ ش.) معتقدند برای آنکه طب اسلامی مختصات درست خود را داشته باشد و با سایر مکاتب طبی مخلوط نگردد، بایستی اصول آن را مطرح کنیم و فصل مشترک و اختلافات آن را با سایر مکاتب طبی دقیقاً شرح دهیم. نقاط اشتراک و افتراق طب اسلامی با سایر مکاتب طبی معلوم است و به هیچ‌وجه مخلوطی از چند مکتب طبی نیست، بلکه یک مکتب طبی مستقل با اصول مشخص است که برخی اصول آن توسط پژوهشگران بیان شده است.

صادقی (۱۳۸۹ ش.) نیز معتقد است اسلام مبناهای کلی طب را بیان نموده و در مواردی نیز به حسب اقتضای شرایط، افراد به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مراجعه نموده و توصیه‌هایی دریافت کردند. وی مبناهای کلی اسلام در طب را مهم‌تر از توصیه‌های طبی می‌داند و اصول طب اسلامی را این چنین برمی‌شمرد: تأکید بر این‌که خداوند شفادهنده اصلی است، به رسمیت شناخته‌شدن طب و طبیب در اسلام، تأکید بر بهداشت و پیشگیری و تأکید بر معنوی و مادی بودن درمان بیماری.

۲- رابطه با طب سنتی و جدید

در این دیدگاه، طب اسلامی که بر اساس تعالیم قرآن و روایات معصومین شکل می‌گیرد بخش‌هایی از طب سنتی را امضا و بخش‌هایی را اصلاح می‌کند. سایر مکاتب طبی هم ممکن است از این فیلتر عبور کرده، بخش‌هایی مورد تأیید قرار بگیرد، چراکه هر بیماری ممکن است درمان‌های بسیاری داشته باشد، اما آن درمانی که ما از روایات به دست می‌آوریم، درمانی ارزان، سریع و بدون عارضه است. همچنین صاحبان دیدگاه فوق بر این باورند که در طب اسلامی ما بایستی بتوانیم نقشه و چارچوب و ساختاری جدید مبتنی بر آیات و روایات ارائه دهیم که متمایز از سایر ساختارهای موجود طبی باشد. حال اگر از دستاوردهای سایر

مکاتب طبی به عنوان مصالح این ساختمان استفاده شود، بسیار زیبنده است، اما نقشه و چارچوب برای اسلام است. (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۹ ش.)

۳- رابطه با تحقیقات تجربی

طبق این دیدگاه، بر اساس آیات و روایات می‌توانیم نقشه، پی و ستون‌های ساختمان طب اسلامی و حتی برخی جزئیات را نیز استخراج کنیم، اما آنچه در روایات است، قاعده است و همان‌گونه که ائمه (ع) فرمودند: «علینا القاء الاصول و علیکم لتفریع الفروع؛ ما اصول را به شما القا می‌کنیم و شما بر این اصول با فکر و اجتهاد به آن شقوق مختلف بدهید و جزئیات را پیدا کنید.» (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۷ ش.)

ه- دیدگاه اشتراک طب اسلامی و طب جدید

فرزادفر (۱۳۸۸ ش.) هیچ تفاوتی بین مفاهیم پایه طب اسلامی و طب رایج قائل نمی‌شود و معتقد است معصومین (ع) اصول پایه طب را به زبانی ساده و قابل فهم برای عموم مردم، ولی در عین حال جامع و کامل بیان نموده‌اند؛ وی «تعادل» را مفهوم پایه طب اسلامی و طب جدید می‌داند و به تطبیق اخلاط چهارگانه (صفرا، بلغم، دم و سودا) به عنوان مفاهیم تعادل در طب اسلامی با شاخص‌های فیزیولوژیک و بیوشیمی طب جدید می‌پردازد.

وی ضمن اعتقاد بر برتری مکتب طب وحیانی بر سایر مکاتب طبی، معتقد است که تمامی مکاتب طبی برای پرهیز از انحراف و التقاط، می‌بایست از نقش انبیا و اهل بیت عصمت (ع) و جایگاه وحی در تمامی شئون مربوطه استفاده نمایند.

و - دیدگاه اشتراک طب سنتی و اسلامی

صوفیان و دعاگو (۱۳۸۸ ش.) بر این باورند که مبانی و اصول طب سنتی و طب اسلامی مشترک است؛ همان‌طور که در طب سنتی تمام بخش‌های طب در نظر گرفته شده است، در احادیث هم تمامی مبانی و اصول طب مطرح شده است که از تعریف طب گرفته تا تعریف ارکان، اخلاط، اعضا، مزجه، حفظ‌الصحه، درمان و... در کلام معصومین دیده می‌شود. به گونه‌ای که می‌توان از این اصول و امهات، به عنوان مکتب طب اسلامی یاد کرد و در پیشگیری و درمان بر آن اکتفا نمود.

ز - دیدگاه علمی

فتعلی و میرقزنفوری (۱۳۸۹ ش.) برای بیان دیدگاه خود، به فرمایش علامه حسن‌زاده آملی استناد می‌نمایند:

علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز «غیر اسلامی» نمی‌شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیر دینی و اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کنیم. اضافه اسلامی به علم یا علوم، اضافه تقییدی نیست، بلکه توصیفی است، بدین معنا که بیان علم یا علوم اسلامی جهت تمایز آن از علوم غیر اسلامی نیست، بلکه برای ذکر وصف لازم علم است، یعنی علم جز اسلامی نیست و آن دانشی که اسلامی نباشد جز پندار و خیال و بازی جهت گذران دنیا نیست. (سوزنچی، ۱۳۹۰ ش.)

بنابراین فرض، همه علوم که با جهت‌گیری درست و در مسیر هدف خلقت مسیر خود را به سوی تکامل طی می‌نمایند، از جمله پزشکی، به همان میزانی که در مسیر واقعی خود باشد، می‌تواند در این تعریف گنجانده شود و صرف نظر از

این که مکتب طبی، متعلق به کدام محدوده جغرافیایی است و حتی این مسأله که افراد عمل‌کننده و محقق در این زمینه باوری الهی دارند یا حتی ملحد هستند، از این اصل که علم پزشکی علمی دینی و اسلامی است خارج نمی‌باشد، هرچند پر واضح است که درک این مسأله و کمک‌گرفتن از مبادی و عالمان وحی می‌تواند سرعت این حرکت را چندین برابر کرده و از کجروی‌هایی که می‌تواند این علم را از زمره علوم واقعی (یا به تعبیری اسلامی) خارج کند، جلوگیری می‌نماید. (فتعلی و همکاران، ۱۳۸۹ ش.)

صاحبان دیدگاه فوق، طب کل‌نگری^۴ که بشر امروز به آن دست یافته است را از این نظر که ابعاد مختلف بشری را برای سلامت او در نظر می‌گیرد و با یافته‌های موجود خود سعی در ارتقای آن دارد، نزدیک‌ترین حالت به دیدگاه اسلامی می‌دانند و می‌افزایند این باور شاید مقدمه‌ای باشد برای مقبولیت جهانی تعریف اسلام از سلامت و طب و در ادامه آن گسترش فرهنگ اسلامی. (فتعلی و همکاران، ۱۳۸۹ ش.)

آبزن (۱۳۸۹ ش.) نیز همه مکاتب و علوم درمانی را اسلامی دانسته و اصالت و کلیات تمام مکاتب علمی را به نوعی هدیه و توفیق خداوندی می‌داند و معتقد است اگر خطا در مکتب درمانی است، مربوط به عدول انسان طغیانگر از چارچوب تعیین‌شده آن علم و نیز پیروی از نفس اماره‌اش می‌باشد. وی معتقد است گزاره‌های طبی در معارف دینی با سایر گزاره‌های طبی موجود، هم ساختار و گاه حتی هم زمان و جلوتر از آن‌هاست.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به طبقه‌بندی دیدگاه‌های موافق مکتب طب اسلامی پرداخته و این دیدگاه‌ها در ۷ عنوان طبقه‌بندی گردید؛ در این مقاله تلاش بر این بوده تا با پرهیز از قضاوت در مورد درستی یا نادرستی گزاره‌های پژوهشگران محترم طب اسلامی و تلخیص و تبیین دیدگاه‌ها با هدف فراهم‌آوردن امکان مقایسه دیدگاه‌های مختلف برای خوانندگان محترم، نگرش مناسبی از مکتب طب اسلامی ایجاد گردد. امروزه آثار نوشتاری از قبیل کتب، مقالات و مطالب فراوانی با عنوان طب اسلامی منتشر می‌شوند و اصالت علمی و غنای محتوایی لازم در برخی آثار مشاهده نمی‌گردد و به نظر می‌رسد در برخی آثار بدون رعایت معیارهای علمی به طرح موضوع طب اسلامی پرداخته شده است. همچنین فراوانی و پراکندگی دیدگاه‌های مختلف، نمایی ناهمگون و آشفته از عنوان طب اسلامی پدیدار می‌سازد و این موضوع، استخراج دیدگاهی واحد از مکتب اسلامی را ناممکن می‌نماید.

آنچه در اولین نگاه در مقاله حاضر می‌توان دریافت، اختلاف پژوهشگران در مورد تعریف و مفهوم‌شناسی مکتب طب اسلامی است، به گونه‌ای که مرور آن‌ها، حتی پس از تلخیص و طبقه‌بندی دقیق به دلیل اختلافات عمده، می‌تواند موجب سبب سردرگمی گردد. همچنین پژوهشگران عمدتاً دیدگاه‌های خود را به صورت کامل و همه‌جانبه ارائه نکرده و در بیان دیدگاه خود از روش‌های علمی نظریه‌پردازی بهره نگرفته و در مواردی فقط به بیان کلیات یا ایده‌ای خاص بسنده نموده‌اند، به گونه‌ای که بیشتر نظریات مطرح‌شده فاقد ساختار محکم و انسجام کافی است و پژوهشگران ضمن پذیرش تلویحی نوع دیدگاه مکتبی برای طب اسلامی، از بیان اجزای لازم برای شکل‌گیری مکتب نظیر فلسفه، مبانی، روش‌ها و ویژگی‌ها غفلت نموده‌اند. البته توجه به موضوعات فوق، در برخی آثار به چشم می‌خورد. به عنوان

مثال، غلامرضا نورمحمدی (۱۳۹۱ ش.) در کتاب خود با عنوان آشنایی با مکتب طب اسلامی، توضیحاتی در مورد اهداف، ضرورت‌ها، پیش‌فرض‌ها، مبانی، روش، منابع، مبادی و ویژگی‌های مکتب طب اسلامی ارائه نموده است و به نظر می‌رسد در مقایسه با اکثر دیدگاه‌ها، ساختاری نظام‌مندتر داشته و به روش‌های علمی نظریه‌پردازی نزدیکتر باشد. نکته دیگر این‌که، پژوهشگران طب اسلامی عمدتاً آثار پژوهشی خود را در قالب مقالات مروری در همایش‌های مرتبط ارائه نمودند و از انتشار مقالات علمی و انجام تحقیقات دانشگاهی خودداری نموده‌اند. این مسأله، ضعف منابع استنادی طب اسلامی برای پژوهشگران جدید را به دنبال دارد. با بررسی و تأمل در دیدگاه‌های مختلف، اشتراکات و اختلافات دیدگاه‌ها واضح می‌گردد. تأکید بر جایگاه اصیل مکتب طب اسلامی، جامعیت طب اسلامی و تمییز آن از طب سنتی، اخلاق و تاریخ پزشکی، توجه به آیات و روایات طبیبی به عنوان یکی از منابع مهم طب اسلامی و تأکید بر عدم مغایرت بهره‌گیری از عقل و دانش بشری با طب اسلامی، از نکات مورد توافق در دیدگاه‌های مختلف مکتب طبیبی اسلام است. همچنین جایگاه و کاربرد عقل و تجربه، نوع رابطه با طب سنتی و طب جدید، جایگاه پژوهش و تحقیقات تجربی در طب اسلامی و تأکید بر بعضی روایات و احادیث طبیبی، از جمله موارد اختلاف پژوهشگران طب اسلامی است. برخی نظرات مطرح‌شده در مقاله حاضر، بازگوکننده دیگر دیدگاه‌ها با زبانی دیگر هستند و برخی، از جنبه خاصی به موضوع طب اسلامی می‌نگرند و در تعریف طب اسلامی نکات خاصی را پررنگ می‌نمایند. به نظر می‌رسد اختلاف دیدگاه‌ها، عمدتاً مربوط به زاویه دید و نگرش پژوهشگران به مقوله طب اسلامی است و جز در موارد معدود، به صورت مبنایی اختلافی وجود ندارد و یکی از دلایل گستردگی و پراکندگی دیدگاه‌ها، استفاده نکردن از روش‌های علمی و مدون جهت مباحثه و آنالیز

علمی است که در صورت استفاده از روش تحقیق مناسب، میزان پراکندگی و اختلاف دیدگاه‌ها کاهش یافته و احتمال شکل‌گیری دیدگاهی توافقی افزایش می‌یابد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین مقالات حاوی دیدگاه‌های طب اسلامی مربوط به چند سال اخیر است و این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است: نخست این که حمایت‌های ملی از جریان طب اسلامی و برگزاری همایش‌های علمی با موضوعات طب اسلامی، فرصتی ارزشمند برای بیان نظرات محققان فراهم آورده است؛ دوم آنکه، ورود پژوهشگران مختلف به عرصه طب اسلامی در شرایطی که دیدگاه یا اساسی واحد مورد پذیرش قرار نگرفته، اختلاف‌نظرها را افزون کرده و نوعی بی‌نظمی پدید آورده است. بنابراین تدوین دیدگاهی جامع، همه‌جانبه و از آن مهم‌تر کاربردی و راهگشا بسیار ضروری و فوری می‌نماید؛ دیدگاهی که ضمن مطابقت با منابع اصیل طب اسلامی شامل آیات قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی و مراعات حدود و احکام اسلامی، جامع و کاربردی باشد و با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های علمی طب سنتی و پیشرفت‌ها و دستاوردهای روز پزشکی روزآمد باشد. بدیهی است دیدگاهی به عنوان مکتب طب اسلامی می‌تواند نزد جامعه پزشکی پذیرفته شود که محدودیت کم‌تری در به کارگیری آموزه‌های مفید و کارگشای پزشکی داشته باشد.

در پایان قابل ذکر است که بحث و جدل بر سر ماهیت و تعاریف طب اسلامی و تکیه بر تفاوت‌های دیدگاه‌ها و گاهی مورد تأییدنبودن این دیدگاه‌ها از نظر عده‌ای از پزشکان و محققان باعث می‌شود افرادی که به تازگی پا به عرصه پزشکی و مطالعه و تحقیق پیرامون طب اسلامی می‌گزارند به دلیل نیافتن تعریفی جامع و کاربردی، طب اسلامی را از پایه و اساس نپذیرفته و از جنبه‌های راهگشا و کاربردی طب اسلامی و نیز وجود اشتراکات اصول و مبانی در دیدگاه‌های مختلف بی‌اعتنا گذر کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله مؤلف و همکاران با عنوان بررسی و طبقه‌بندی دیدگاه‌های موافق و مخالف در مورد طب اسلامی (فصلنامه تاریخ پزشکی، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۹۸-۱۷۱).
۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مکتب اسلامی، تهران، انتشارات اسلامی، جلد اول، ص ۱۶۳.
۳. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مکتب اسلامی، تهران، انتشارات اسلامی، جلد شصت و دوم، ص ۷۴.

4. Integrative Medicine

فهرست منابع

- آبزن، احمد. (۱۳۸۶ ش.). مقالات اولین همایش مدیریت طب اسلامی (ضرورت تدوین طب اسلامی و ارائه راهکارها). قم: دانشگاه علوم پزشکی قم، ص ۲۲۸.
- آبزن، احمد. (۱۳۸۹ ش.). دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (مقایسه طب اسلامی با سایر مکاتب طبی). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۶۸.
- اسماعیلی، سیدسعید. کردافشار، غلام‌رضا. (۱۳۸۹ ش.). مقالات دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (درآمدی بر اصول اساسی طب اسلامی). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۷۴.
- اسماعیلی، سیدسعید. کیانی، رضا. (۱۳۸۷ ش.). مقالات اولین سمینار بین‌المللی طب سنتی و مفردات پزشکی (طب اسلامی؛ اثبات وجود، بیان ماهیت). ساری، ص ۱۲۶.
- اصفهانی، محمدمهدی. (۱۳۸۹ ش.). بازنگری در تعریف، مفهوم، محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی با الهام از رهنمودهای حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع). فصلنامه تاریخ پزشکی. صص ۷۴-۷۷، ۷۱.
- درخشان، مهدی. (۱۳۶۲ ش.). رساله ذهبیه (در علم طب) منسوب به حضرت رضا (ع). مترجم ابوعلی حسن بن ابراهیم سلماسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. صص ۱۰۵-۱۰۴.

سوزنجی، حسین. (۱۳۹۰ ش.). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. تهران، صص ۱۴۳-۱۴۴.

دیانی، محسن. (۱۳۸۲ ش.). بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد طب اسلامی و ارائه نظریه جدید. پایان‌نامه دکتری عمومی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ص ۷.

جانفزا، سولماز. (۱۳۸۹ ش.). دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (بررسی ساختار ارکانی، ابزاری و درمانی طب سنتی و طب اسلامی). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۴۳.

صادقی، سجاد. مهدوی‌نژاد، غلامحسین. صادقی، علیرضا. فرهیدزاده، هانیه. (۱۳۹۲ ش.). بررسی و طبقه‌بندی دیدگاه‌های موافق و مخالف در مورد طب اسلامی. فصلنامه تاریخ پزشکی (ارائه الکترونیکی). قابل دسترس در: <http://journals.sbmu.ac.ir/mh/article/download/6687/5656>.

صادقی، سلیمان. (۱۳۸۹ ش.). مقالات دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (مبانی مکتب طبی در اسلام). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۹۲.

صوفیان، مسعود. دعاگو، منصوره. (۱۳۸۸ ش.). مقالات اولین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (آشنایی با طب (تلفیقی از طب سنتی و اسلامی)). مشهد: انتشارات دانشگاه، صص ۱۸۹-۱۱۱.

فتعلی، سمیه. میرقزنفری، سیدمهدی. (۱۳۸۹ ش.). مقالات دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (از پزشکی جامع‌نگر (Integrative Medicine) تا طب اسلامی). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۱۸.

فتعلی، سمیه. (۱۳۹۱ ش.). مقالات اولین هم‌اندیشی طب اسلامی (چیستی و چرایی طب اسلامی). قم: دانشگاه آزاد اسلامی قم، ص ۱.

فرزادفر، سیدوحید. (۱۳۸۸ ش.). مقالات اولین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (علمی‌بودن فرمایشات اهل بیت علیهم‌السلام). مشهد: انتشارات دانشگاه، صص ۲۱۰-۱۹۱.

مسعودی، شکوفه. (۱۳۸۹ ش.). مقالات دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (راهکارهای ترویج طب اسلامی در ایران). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۹۴.

منتظر، رضا. (۱۳۸۹ ش.). مقالات دومین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (اصل و فرع در طب اسلامی). مشهد: انتشارات دانشگاه، ص ۲۰.

منتظر، رضا. (۱۳۸۸ ش.). طب اسلامی گنجینه تندرستی. تهران: انتشارات نسل نیکان، چاپ دوم، صص ۵، ۳۷۰-۲۰۷.

نورمحمدی، غلامرضا. (۱۳۹۱ ش.). آشنایی با مکتب طب اسلامی. قم: انتشارات فقه، چاپ اول، صص ۳۲۵-۳۰۴.

نورمحمدی، غلامرضا. (۱۳۸۸ ش.). مقالات اولین همایش علمی پژوهشی طب الرضا (ع) (مفهوم‌شناسی مکتب طب اسلامی). مشهد: انتشارات دانشگاه، صص ۳۷، ۳-۴۲، ۶۶.

یادداشت شناسه مؤلفان

سجاد صادقی: پزشک، دستیار دکترای تخصصی طب سنتی، دانشکده طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیکی: Drsadeghi@sbmu.ac.ir

غلامحسین مهدوی‌نژاد: عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران.

علیرضا صادقی: دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

انسپه فرهیدزاده: دانشجوی پزشکی، پژوهشگر مرکز طب سنتی و مکمل بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران.

Islamic Medicine Theory and agree views*Sajjad Sadeghi**Gholam Hosein Mahdavinejad**AliReza Sadeghi**Ensieh Farhidzadeh***Abstract**

The Islamic medicine as a Theory, has principles, ideology, science and sturdy materials. IN this article, with unbiased and non-judgmental comment about True or false statements, we classify agree views about Islamic medicine Theory in 7 title. Nowadays, lots of Books, articles and Subjects has published as Islamic medicine. But scientific originality and richness of content is not observed in some works. Therefore in this article, we used some richer subjects in terms of content. By examining the agree views about Islamic medicine Theory, Clearly be deduced that There are several views about definition and concept of Islamic medicine. It appears that differences of opinion, mainly due to the viewing angle and researchers attitude to the issue of Islamic medicine. One of the reasons for the extent and distribution of ideas is not using the scientific method by researchers. Thus, using proper research method is essential for the formation of a comprehensive view.

Keywords

Islamic Medicine Theory, Classification, Different Views, Shares, Differences